

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه تیه (جلسه چهارم)

ختم مفهومی استاد اخوت ۹۶/۱۱/۲۸

برای سلامتی خودتان صلواتی ختم بفرمائید.

امروز نیتی را در نظر بگیریم و به سوره بینه پردازیم، به یاد حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) با ذکر یک صلوات.

بنا شد گزاره‌ها را بر اساس آیات پیش ببریم:

۳۵- بر اساس آیه مبارکه ۶: کار بینه خارج شدن انسان از شرالبریه است. انسان را از حالت بدترین بریه بودن، خارج می‌کند و سوق دادن به خیرالبریه شدن.

۳۶- کار بینه خارج شدن انسان از نار جهنم است و سوق دادن او به رضایت از پروردگار است.

۳۷- کار بینه خارج شدن انسان از کفر است و سوق دادن او به ایمان و عمل صالح است.

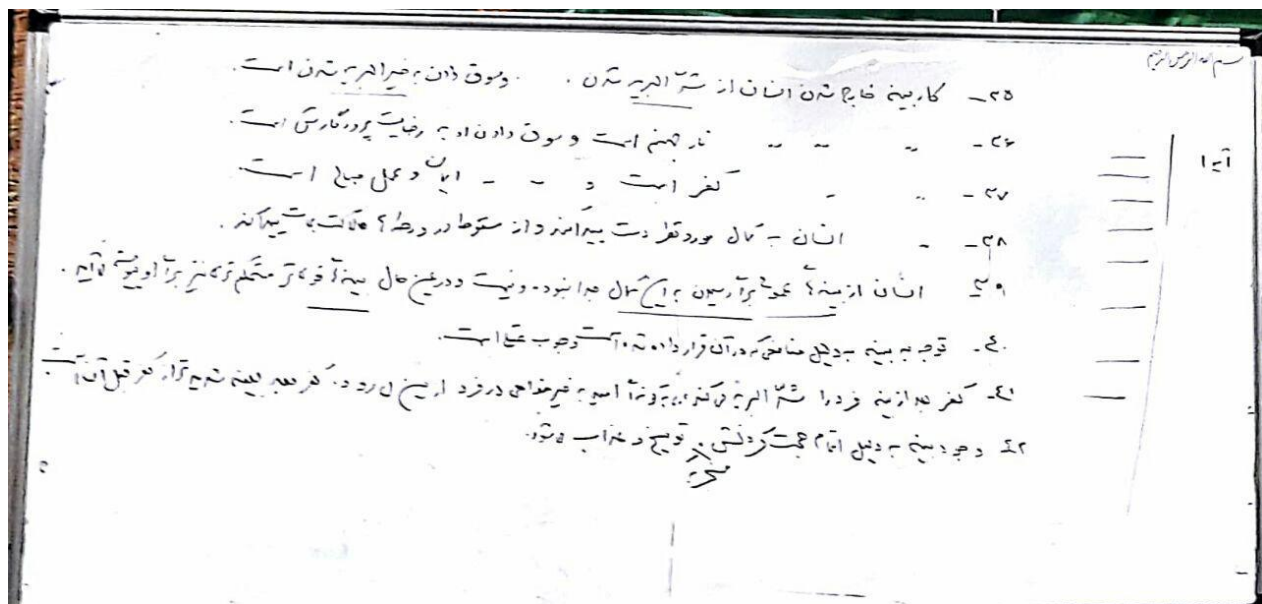
۳۸- کار بینه این است که انسان به کمال مورد انتظارش دست پیدا کند و از سقوط در ورطه‌های هلاکت نجات پیدا کند.

۳۹- انسان از بینه‌های عمومی برای رسیدن به این کمال جدا نبوده و نیست و در عین حال بینه‌های قوی‌تر و مستحکم‌تری نیز برای او پیوسته می‌آید.

۴۰- توجه به بینه به دلیل منافی که در آن قرار داده شده است، وجوب عقلی است.

۴۱- کفر بعد از بینه فرد را شرالبریه می‌کند و امید به خیرخواهی در فرد را از بین می‌برد. کفر بعد از بینه شدیدتر از کفر قبل از آن است.

۴۲- وجود بینه به دلیل اتمام حجت کردنش منجر به توییح و عذاب می‌شود.



۴۳- بینه در افرادی که دارای خشیت هستند اثر می کند. در این صورت صفت خشیت برای مواجهه درست با بینه ضروری است. خشیت پروری در جامعه منجر به واکنش صحیح مردم نسبت به بینه می شود.

جامعه ای که در آن خشیت نباشد، در برابر بینه موضع گیری خواهد کرد.

۴۴- خداوند به در نظر نگرفتن بینه برای هیچ کس رضایت نداده است، پس خشنودی خدا در گرو توجه به بینه است. هر جا در روایات از رضایت خداوند می گوید در واقع بینه ای را بیان می کند.

۴۵ - بینه در افرادی که دارای خشیت هستند اثر می کند. در این صورت صفت خشیت برای مواجهه درست با بینه ضروری است.

۴۶ - کفر به از بینه زدرا شکر الهی را نکرده و بینه را اسیر و غیر مبیح در رزق ارضی کرده. فرموده بینه شکر آرا کفر عمل آن است.

۴۷ - خداوند به در نظر نگرفتن بینه برای هیچ کس رضایت نداده است. و در حدیثی به دلیل آنکه جهت رفتن به توجیح در آن است و ... ..

«خشیت» سبب دریافت «بینه» است و به عنوان گیرنده است.

۴۵- خداوند از بیرون بینه را و از درون خشیت را عامل رضایت خود یا هدایت خود قرار داده است.

۴۶- بینه نقش رسول را ایفا می کند و خشیت نقش پذیرش رسول را دارد. برای هدایت هم باید رسول باشد و هم خشیت. در اثر مواجهه این دو هدایت رخ می دهد. اگر انسانی بینه نداشت باید خشیت را در خود ایجاد کند تا بینه به او برسد.

۴۷- اگر فردی احساس می کند هنوز به بینه نرسیده است لازم است خشیت را در خود فعال کند. این فرد باید بداند که خداوند او را رها نمی کند تا این که بینه اش را برایش بفرستد.

«خشیت» درونی است و این است که فرد تمایل به شنیدن حرف درست دارد. این گزاره را می توان به همه انسانها در هر شرایطی گفت. این حرف برای کسانی است که می گویند: من برای کارهایم بینه ندارم. راه آن ایجاد خشیت در خود است؛ برای مثال برای دختری خواستگار می آید و نمی داند که باید چه کند. باید خشیت را در خود فعال کند و این فعال کردن به دعا و نماز خواندن نیست، بلکه در برابر حرف های مادر خشیت داشتن و پذیرش ایرادهای اوست. خشیت به معنای اضطراب و اضطراب نیست بلکه وقتی از کسی ایرادی در مورد خودش می شنود، مشتاقانه می پذیرد. برخی از ایرادهایی که به فرد تذکر داده می شود، قابل معاوضه با پول نیست و برای برخی ایرادها باید هستی اش را بدهد تا بفهمد! اگر کافر هم باشی، خشیت که می توانی داشته باشی. اگر خدا احتمال اثر نمی داد برای (الذین کفروا) که بینه نمی فرستاد!

خشیت امری است که بر اثر «علم» ایجاد می شود و در واقع فهم عظمت است. خشیت فقط فطری نیست و آموزش دادنی است. در کشورهای خارجی می بینید که در برخی از شهرها مردمش سرکش نیستند. این نشان می دهد خشیت را در سیستم آموزشی به آنها آموزش داده اند. خشیت در واقع انعطاف پذیری است. لجاجت بازی نکردن است. «کفر» نیز خودش تقسیم بندی دارد. بعضی از نظامات کفر در ذات خودشان ضد خشیت هستند و مردم خود را سرکش بار می آورند. این که در آمریکا دانش آموزی بعد از اخراج با اسلحه به سراغ بقیه می رود، در واقع نتیجه یک نظام آنتی خشیت است. در کشورهای شرقی سریع حرف حق را می پذیرند. علت شیعه شدن مردم در این منطقه نیز همین است. کتاب «شب های پیشاور» را بخوانید و ببینید که چگونه فردی با صحبت کردن، افراد بسیاری را شیعه کرده است.

- ۴۵- خداوند از بیرون بینه و از درون قیبت را عامل رضایت فرد، (هرایست) قرار داده است.
- ۴۶- بینه نفسی رسول و صیبت نفسی پیغمبر رسول را اینست: در آن سواحه این دو هایت رخ در ره.
- \* ۴۷- آرزوی هنوز به بینه نرسیده است لازم است قیبت را در خود فعال کند. این فرد باید بداند که خداوند او را رها نمی کند تا این که بینه اش را برایش بفرستد.

آدم‌های استدلالی با این مفهوم رایج، ضد خشیت هستند. رواج استدلال به معنای این که یاد بگیریم چگونه چیزی را اثبات کنیم و این نوعا مقابل خشیت است. این مسئله استدلال در خانواده‌ها خیلی وجود دارد و بچه‌ها حرف‌های والدین را با استدلال ثابت می‌کنند که اشتباه است و این خوب نیست.

خانواده‌هایی که در آن‌ها استدلال به جای پذیرش‌های به ظاهر غیرمنطقی قرار می‌گیرد، به سرعت به سمت اختلاف‌های شدید پیش می‌روند. در بسیاری از مواقع باید بدون تحلیل گذشت.

آیه ۲: رسولی من الله است. که همه هویت رسول از من الله بودنش است که (یتلوا صحف مطهره) است. این آیه را با آیات دیگر بررسی می‌کنیم.

آیه ۳: کتب

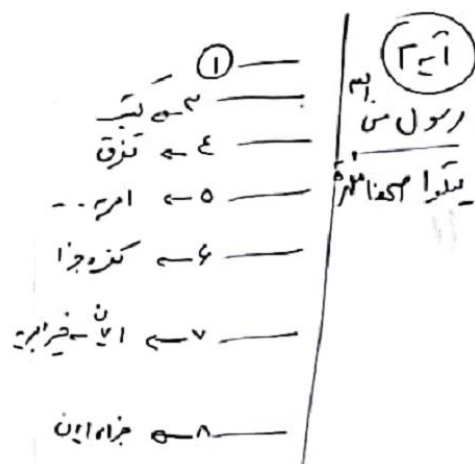
آیه ۴: تفرق

آیه ۵: امر

آیه ۶: کفر به جزاء

آیه ۷: ایمان و خیرالبریه

آیه ۸: جزاء ایمان



۴۸- اگر از بینه رسول اعراض شود به سایر بینه‌ها هم بی‌اعتنایی شده است.

از کجا بفهم که این رسول است و صحف مطهره را می‌خواند؟ پاسخ این مشکل از خواندن آیه دو با آیه یک بدست می‌آید. دقت شود که از اینکه آیه را محور قرار می‌دهیم نسبت به گزاره قبلی که آیه یک محور بود و آیه دو را با آن خواندیم نتایج متفاوتی بدست می‌آوریم.

۴۹- فهم این که رسول از ناحیه خداوند است و تلاوت می‌کند صحف مطهره را، آشکار و واضح است و به دلیل آیه یک هیچ ابهامی در آن وجود ندارد. (ادعای خداوند در آشکار بودن این موضوع است به نوعی که خودش دلیل خودش است.)

۵۰- خداوند قانون هدایت را در مسیرهای ابهام قرار نداده است و ایجاد فضای ابهام خلاف بینه است و خارج از مقام بینه است. (خداوند در این قانون هدایت رسولش را بینه قرار داده است.)

۵۱- رسول از خود مطلب یا حقیقتی را نمی‌سازد بلکه آن را انعکاس می‌دهد و در مقام انتقال بدون کم و کاست است و اساسا رسول یعنی کسی که تلاوت‌کننده صحف است. یعنی همان‌طور که خدا خواسته است آن را منتقل می‌کند. او نباید و نمی‌تواند تجربیات خود را در این انتقال وارد کند.

۵۲- رسول باید بر اساس صحف عمل کند به صورت کامل و خود را در معرض امامت قرار دهد.

۵۳- رسول به دلیل تلاوت‌گری صحف (به صورت مضارع) در مقام امام است.

رسول یک سند دارد به نام صحف، و بر اساس آن عمل می‌کند و رسول دارای وحدت قول و فعل است. حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) در جمعی به مردم می‌گوید نباید بت بپرسید و بعد به بتخانه می‌رود و بت‌ها را می‌شکند. پس به آیه عمل کرد و مردم هم دیدند. در واقع صحف را تلاوت کرد. او را دستگیر می‌کنند اما او از تلاوت صحف نمی‌ترسد و بر اعتقاداتش همچنان می‌ماند و ابراهیم، ابراهیم می‌ماند. این در آتش انداختن رسول معجزه می‌شود ولی در واقع ابراهیم (علیه‌السلام) صبور تلاوت‌گر معجزه می‌شود. در داستان حضرت موسی (علیه‌السلام) هم چنین است. نوعا انسان در مسیرهای مختلف که قرار می‌گیرد، اگر در مسیر باطل باشد حتما دچار تزلزل می‌شود و قدم صدق مربوط به ایمان است.

- ۴۸- آیه سینه رسول ابراهیم در سینه آینه است به اعتبار سینه است
- ۴۹- نسیم رسول از نافع خدادانه است و تلاوت کلمه محمد صواب را... آشکار و واضح است و به دلیل آیه ۱  
 هیچ آیه در آن وجود ندارد. (ادعای خدادانه در آشکار کردن این موضوع به نوعی که خودی دلیل خودی است)
- ۵۰- خدادانه قانون هدایت را در سینه امام (در زمان او) ایجاد فرموده است. خارج از سینه آینه است.  
 (خدادانه در این قانون هدایت رسول را سینه قرار داده است.)
- ۵۱- رسول از خودش جللی یا فقیه نمی سازد بکنه آن را انصاف می دهد. در تمام اتقان برده کم دکات است.  
 دانست رسول یعنی کس به تلاوت کلمه محمد است. از نیامده نه قرآن نه تخریب است خود را در این اتقان دلفن کند.
- ۵۲- رسول باید برای سال هفت عمل کند به هر سال کامل خودش را در معرض امامت درم قرار دهد.
- ۵۳- رسول به دلیل تلاوت کلمه محمد (به صورت مضاعف) در تمام امام است.

مقام بینه به نظر می رسد که مقام امامت را ایجاد می کند. گویی یک کد است که زمانی که در قرآن از بینه می گوید در واقع از مقام «امامت» می گوید. یک امام رسول داریم و یک رسول امام. رسول امام یعنی رسولی که امام می شود. یک بار هم امام رسول می شود، یعنی امام از جانب رسول است و رسول رسول است.

رسول به دلیل تلاوت صحف لازم است دیگرانی را داشته باشد و در این جا امامی از جانب رسول است و قوامش از رسول است. هر رسولی که در قرآن می گوید، خودش امام است.

۵۴- امامت همان رسالت است وقتی بخواهد تلاوت صحف را مستمراً انجام دهد.

۵۵- صحف مطهره، در واقع وحی ای هستند که از هر آلودگی (هر چه غیر وحی باشد) مصون هستند و دلیل بر بینه بودن رسول می شود.

درواقع صحف بینه مضاعف است. اقتضاء هدایت بینه های قبلی است و رسولان و کتاب های قبلی بعد رسول می آید بینه و صحف هم می شود بینه ای مضاعف برای رسول.

۵۶- محتوای صحف مطهره، شامل فرائضی است که به زندگی انسان قوام می دهد. (آیه دو و آیه سه)

۵۷- بوسیله تلاوت رسول، کتب قیمه در جامعه و برای افراد هویدا می شود.

قرآن یک سند تفصیلی و مجزا بر رسول است و بینه‌ای بر بینه است. خدا قصد کرده مردم را هدایت کند و بینه‌ای را بر بینه‌ای دیگر می‌آورد.

بعد از انقلاب بسیاری از آیات الهی هویدا شده است. ممکن است عمل هم نکرده باشیم ولی رو آمده است.

۵۸- کتبی قیمه هستند که از صحف مطهره باشند. (این گونه تردیدها زائل می‌شود و ایمان معنا پیدا می‌کند).

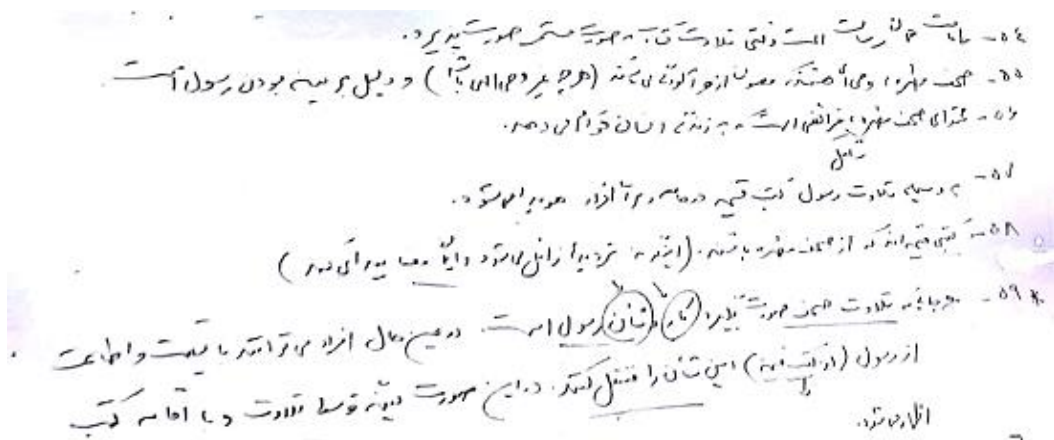
این سوره خیلی سوره اهل بیت (علیهم‌السلام) است. در این سوره کتب قیمه‌ای که باید دائما تلاوت شوند، اثبات وجود نظام امامت می‌کند.

بینه بودن رسول موضوع آیه دوم است. چه بدل بگیریم چه مبتدای محذوف در هر صورت موضوع یکی می‌شود. بینه منظور رسول است. رسول بینه هم هست یا به عبارتی منظورمان از بینه در این جا رسول خاتم است.

۵۹- هر جایی که تلاوت صحف صورت بگیرد کار و شأن رسول است. در عین حال افراد می‌توانند با تبعیت از رسول (کتب قیمه) این شأن را منتقل کنند. در این صورت بینه توسط تلاوت و با اقامه کتب اظهار می‌شود.

این گزاره را باید دوباره چک کرد. اگر درست باشد، خیلی حرف برای گفتن دارد.

در دین اسلام و هر شریعتی دیگر، شأن تلاوت را عده‌ای خواستند به خود برگردانند. همه ادعای تلاوت دارند و شبهه بینه ایجاد می‌کنند. طاغوت کارش شبهه بینه درست کردن است برای استثمار و استحمار مردم. کسی خودش را منفک از خدا نمی‌داند و همه چیز خودش را منتصب به خدا می‌داند و این دعوای عالم است که هر کسی دین را به گونه‌ای تلاوت می‌کند. مجموعه استدلال‌های بشر امروز شبهه‌هایی است که ارائه می‌دهند.



## ساعت دوم

اگر بخواهیم به این ترتیب ادامه دهیم ممکن است شش الی هفت جلسه برای تکمیل گزاره‌ها زمان نیاز داشته باشیم. مولفه‌های آیات را استخراج کنید:

### رسول + تلاوت صحف مطهره:

- بینه
- کتب قیمه
- تفرق اتوالکتاب
- امر دین قیمه
- جزای کفر
- ویژگی ایمان و عمل صالح
- جزای ایمان و عمل صالح

اگر نخواهیم گزاره بنویسم و بخواهیم ارتباط سنجی انجام دهیم، سرعت کار بیشتر می‌شود و به همین ترتیب برای همه آیات چنین کنیم، سرعت کار افزایش پیدا می‌کند.

وقتی موضوعی یا مؤلفه‌ای کار کنیم سرعت بیشتر است. در مورد رسول و آیه سه چنین می‌کنیم و از مسیر گزاره-نویسی خارج می‌شویم. اگر کسی بخواهد سوره را خودش کار کند، باید حتما گزاره‌نویسی کند و چاره‌ای هم ندارد.

رسولی که تلاوت کننده صحف است وقتی با «تفرق اتوالکتاب» دیده می‌شود، نشان می‌دهد که الزاما تلاوت کتاب منجر به «وحدت» نمی‌شود. پیامد حضور رسول یا تلاوت صحف به وسیله تفرق اتوالکتاب و موصوف شدن همه به «کتاب» و بر علیه بودن آن است و این پیامد لزوما مثبت نیست و می‌تواند شکل اتمام حجت بودن پیدا کند.

در واقع اتمام حجت عمومی است و از سویی دارایی عمومی می‌شود. از ضرب رسول در آیه ۴ عمدتا به این‌ها می‌رسیم؛ یک دارایی عمومی و البته یک اتمام حجت عمومی.



## از ضرب رسول در مجموعه دین قیمة:

محتوای اصلی یا محور تلاوت صحف و رسالت استخراج می‌شود و ضرورت حاکمیت این «دین» برای همه افراد در هر جا که هستند. قائل شدن به دینی در گستره بشریت با یک وحدت رویه.

هر کسی سوره بینه را می‌خواند، باید قائل به دینی بدون اعوجاج و حاکم جهانی برسد.

### با در نظر گرفتن آیه ۲ و آیه ۵:

به موضع‌گیری افرادی با عنوان شرالبریه پی می‌بریم و به سختی کار انبیاء (علیهم‌السلام) و رسول و نیز به ماهیت دشمنان رسول. خیلی وقت‌ها از شناخت شرالبریه پی به بینه بودن چیزی می‌بریم. مقابل رسول، کافری است که شرالبریه است و همه به ماهیت زشت او به راحتی پی می‌برند.

### با در نظر گرفتن آیه ۲ و آیه ۶ با هم می‌توان فهمید:

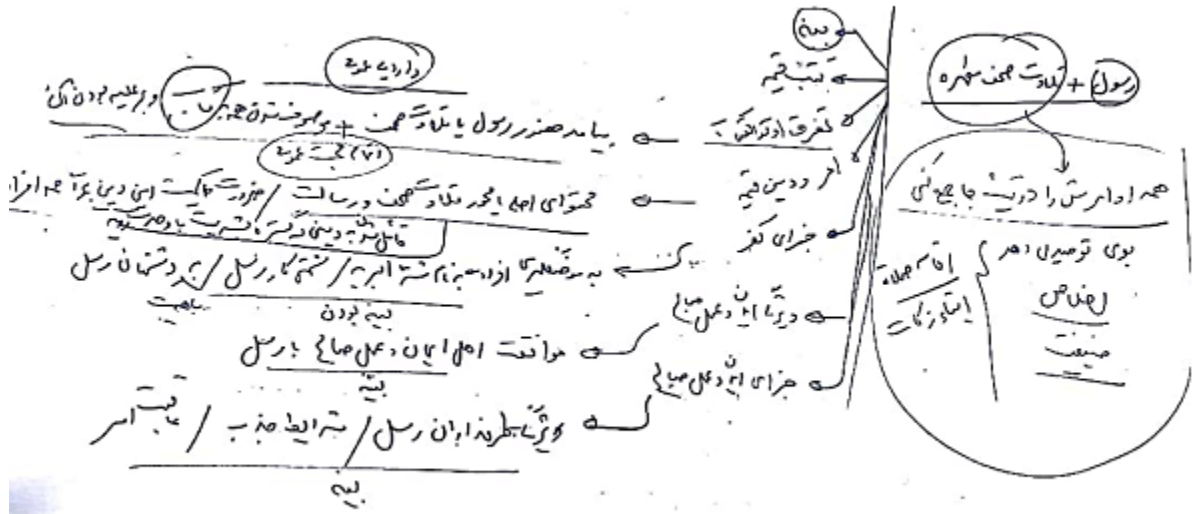
موافقت آدم‌های خوب و منطقی و اهل کار شایسته همراه با رسول می‌شوند. موافقت اهل «ایمان و عمل صالح» با رسل خود بینه است.

### آیه ۲ و آیه ۷:

ویژگی طرفداران رسل و شرایط جذب و عاقبت امر آنها را نشان می‌دهد. اگر همه اوامر این رسول را در یک‌جا جمع کنیم بوی «توحید» و «اخلاص» و «حنیفیت» می‌دهد یعنی هیچ‌کدام در حالت افراط و تفریط و غیراخلاص نیست و همه آن‌ها به فکر دیگران بودن است و این بینه بودن است.

رسولی که بینه است و تلاوت‌کننده صحف است که در آن کتب قوام بخش زندگی دارد و حضورش در عین حال پیامدهایی را به همراه دارد. در عین حال که به همه انسان‌ها کتاب ارائه می‌کند، اتمام حجتی عمومی است و همه اوامرش بوی توحید خالصانه «حنیف» بدون افراط و تفریط را می‌دهد و در انتهای همه این‌ها «اتصال به خدا» و «کمک به مردم» است. طبیعی است که هر کسی که دارای کفر باشد، در مقابل چنین رسولی به دلیل «شر» بودن، موضع‌گیری منفی دارد. هر کسی مومن باشد به دلیل «خیر» بودنش، همراه چنین رسولی می‌شود.

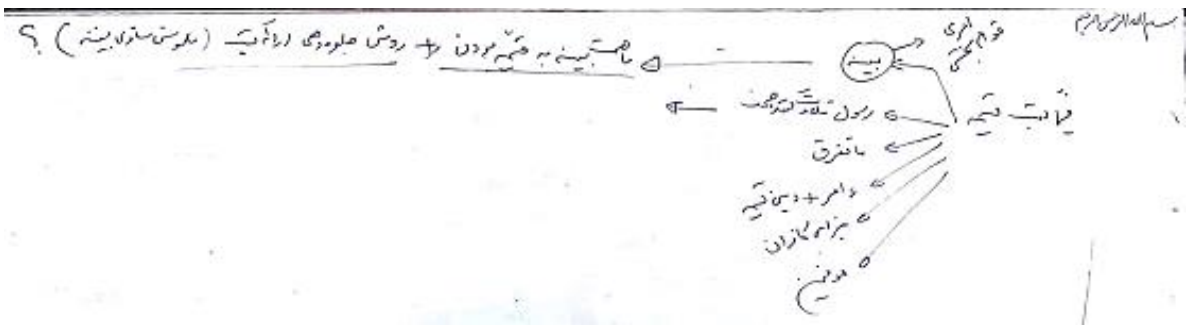
جذب به رسول و تلاوت‌هایش یک‌سری شرایط و خواص دارد.



این خلاصه عملیات سه جلسه بود که یک باره انجام شد. گزاره‌ها فقط کمک می‌کند که اشتباه نروید و گرنه اصل کار استخراج آن نظام است.

#### آیه ۴ را با سایر آیات بررسی و محورها مشخص شود:

از کتب قیمه و بینه آنچه باید احصا شود این است که ماهیت بینه به کتب و قیم بودن تبدیل می‌شود. بینه فقط صرف وضوح نیست. روش جلوه‌دهی بینه که ارائه کتب است. (ملموس سازی بینه)



بینه در سوره مبارکه بینه، رسولی است که تلاوت می‌کند صحف مطهره را که در آن کتب قیمه وجود دارد. وقتی انسان‌ها رسول می‌بینند او را همراه با کتب قیمه می‌بینند.

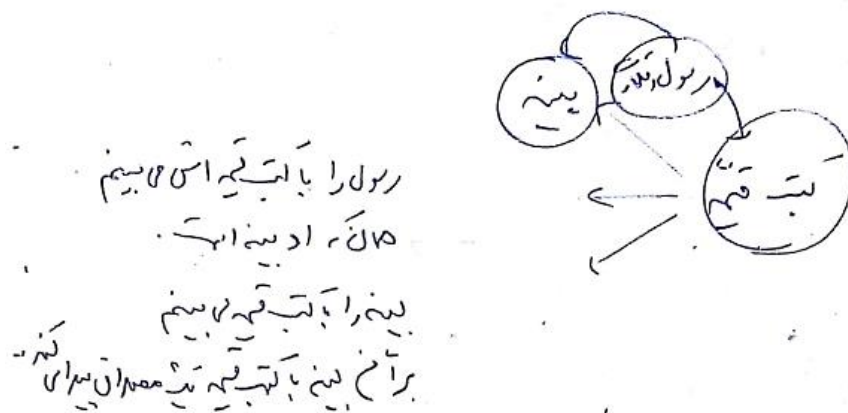
در داستان غرق شدن فرعون، موسایی (علیه السلام) پیروز شد که احکامش چنین است. در واقع موسایی (علیه السلام) پیروز می شود که مردم را به کمال می خواهد برساند. دینی که بواسطه موسی (علیه السلام) زندگی را قوام می دهد بینه است نه غرق شدن فرعون. این که چه کسی می تواند زندگی را بچرخاند او بینه می شود، صرف نشان دادن نیست. قوام دهنده بودن مهم است. قوام دار بودن چیزی خودش بینه است. آیات اولیه آل عمران و آیت الکرسی یعنی قیّم بودن خدا بینه ساز است.

### در این قسمت قیّمه را به کتب و دین نسبت می دهد:

گاهی آیه اول را بقیه آیات می بینید یعنی بینه را با قیّمه نگاه می کنید؛ این گونه که بینه های الهی توسط رسل با کتب قیّمه ارائه می شوند.

وقتی بالعکس می شود و قیّمه با بینه دیده شود، نوع نگاه و گزاره ها متفاوت می شود؛ این که کتب قیّمه محور قرار گیرد و با بینه دیده شود نوع نگاه تغییر کرده است. این جا کتب قیّمه را بررسی می کنیم. کتب قیّمه یعنی مجموعه قوانین و فرائضی که قوام زندگی را باعث می شوند. این بوسیله رسولی که تلاوت کرده ارائه شده است. رابطه این با رسول، خودش می شود بینه.

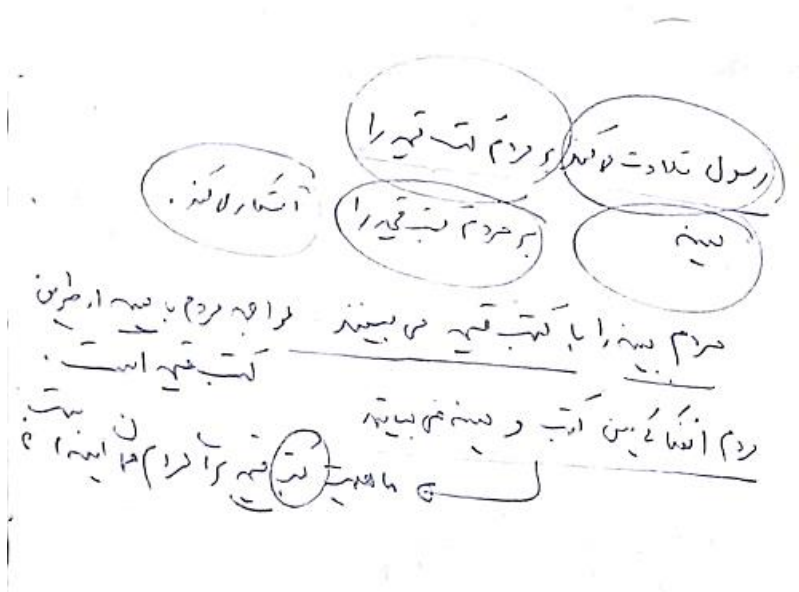
قیّمه بودن کتب چون با رسول و تلاوت مرتبط می شود و این ها هم بینه بوده اند و قطعاً ارتباطی هم با این کتب پیدا خواهد کرد. رسولی که بینه است، کتب قیّمه را ارائه می دهد. رسول را با کتب قیّمه اش می بینیم، همان که او بینه است. پس بینه را با کتب قیّمه می بینیم و برای ما بینه با کتب قیّمه یک مصداق پیدا می کند.



رسول تلاوت می کند بر مردم کتب قیمه را.

بینه بر مردم کتب قیمه را آشکار می کند.

مردم بینه را با کتب قیمه می بینند. مواجهه مردم با بینه از طریق کتب قیمه است. مردم انفکاک می بینند و بینه نمی بینند. ماهیت کتب قیمه برای مردم همان بینه است.



قیمه بودن را بر کتب ترجیح داده داده چون قیمه حالت موصوف دارد. ذات بینه قیمه و ذات قیمه بینه است. بینه را امری صرفا واضح و آشکار نمی بینیم. بینه اصل صفتش قوام بخشی است و این امر فطری می شود.

اگر چیزی قوام بخش نباشد، نمی تواند بینه باشد. ایجاد حیات می کند. بینه حیات یک جسد است، روح است چون آن جسد را راه می اندازد و چون قوام بخش است، واضح است. هیچ وقت هیچ بینه ای از قوام و قوام بخشی منفک نیست.

بینه بودن به این است که همه می فهمند موسی (عیه السلام) رهبر است و او این کاره است. حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) برای اثبات قوام بخشی به معجزه نیاز نداشت و همه فهمیدند که او خودش است و قرآن برای آن کافی بود.

صحف مطهره، فیها کتب قیمه هستند و یک وصف برای صحف است و تلاوت در مورد هر دو صورت می گیرد و هر تلاوت صحف مطهره‌ای کتب قیمه را هم در بر می گیرد چون فیها است.

رسول زنده است و رسالت نیز زنده است.

کسی اگر واقعا امام داشته باشد، ولی فقیه برایش بینه است و شأن او هم عرض رسول است. ما اتصال مان به امام عصر (عجل الله تعالی فی فرجه) از طریق ولایت علماست. اگر کسی قائل به هم عرض بودن این مقام با رسول نباشد، نمی تواند ادعای شیعه بودن داشته باشد. نظام عصمت و این که ائمه شیعه معصوم هستند و خطا نمی کنند، وقتی به بقیه مردم رسید، شد عصمت اختصاصی اهل بیت (علیهم السلام)، در حالی که نظام امامت با توانمندی و قوام بخشی شناخت می شود و نه با نظام عصمت. رسول تلاوت کننده صحف مطهره‌ای است که در آن کتب قیمه است و نظام عصمت، در حاشیه است.

عصمت خالی بودن از هوای نفس است و هر کسی که چنین باشد، می تواند دارای عصمت باشد. لزومی ندارد عصمت را به صورت خاص و بدون رجس معنا کرد. رسول خدا در شهری است و بقیه باید پیام او را بشناسد، باید قائل شویم دین با معصوم پیش می رود پس اگر هیچ کس تلاوت کتاب نکند و امر و نهی به تبعیت از رسول نکند، که نمی شود! و رسول باید دین را به همه عالم عرضه کند.

این بحث ها در کلام وارد شده است و بعد از آن هم کسی نتوانسته است آن را جمع کند و می گوید حاکمیت باید دست معصوم باشد. بعد می گوید معصوم که نداریم پس از طاغوت باید بخواهد که بر او مسلط شود تا معصوم برسد و نجات دهد و این ها همه تحریف است.

### **فیها کتب قیمه با رسول تلاوت کننده صحف:**

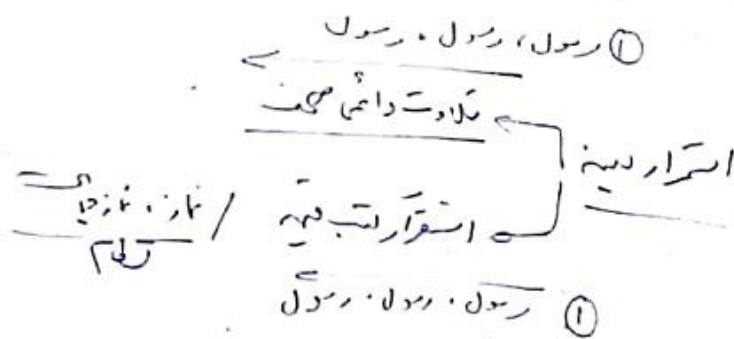
در این آیه وظیفه رسول که ابلاغ کتب است و قیم بودن کتب و سمت و سوی آن به سمت قوام و قیام معلوم می شود.

اگر تلاوتی منجر به رو آمدن کتب قیمه نباشد، تلاوت نیست. این جهت فعل تلاوت رسول می شود. جاری کردن کتب قیمه معادل تلاوت دائمی صحف مطهره است.

یکی از کارهای رسول در هر جا و هر زمان این است که واجبات را به گونه‌ای جاری کند که تالی تلو تلاوت خودش شود.

استمرار بینه به شکل‌های مختلفی است و اصلش به تلاوت دائمی صحف است. رسول!.. رسول! رسول داشتن است. و کار دیگر استقرار کتب قیمه است. زمانی خیلی جالب می‌شود که در خود تلاوت هم کاری می‌کنند که تلاوت دائمی شود. یعنی تلاوت را به گونه‌ای آموزش دهند که دائمی باشد. فرائض را به گونه‌ای آموزش دهند که خود آن اجرای فرائض تبدیل به بینه شود. نماز را نظامی می‌دهند که خود این نظام تبدیل به بینه شود.

ساختار واجبات، کأنه مستغنی از رسول است. گویی رسول محکم کاری کرده و فرض کرده است که فرضا که حجت نبود و دائما بینه‌ای را پشت بینه‌ای قرار داده است و تضاعف بینه ایجاد کرده است. «نماز» سیما و شخصیت رسول الله است. نماز به گونه‌ای است که انگار شاکله رسول است. در ساختار فرائض هم بینه آورده است. می‌توانید قبل از نمازتان «السلام علیک یا رسول الله» بگویید و از ملاقات رسول خرسند باشید. کتب را تبدیل به یک رسول کرده است. کتب را برایش حیثیت بینه‌ای ایجاد کرده است. در شاکله بندی فرائض در کتاب عیون الاخبار این موضوع قابل بررسی است چون در دوره امام رضا (علیه السلام) فرصت از صحبت اسرار فرائض شده است.



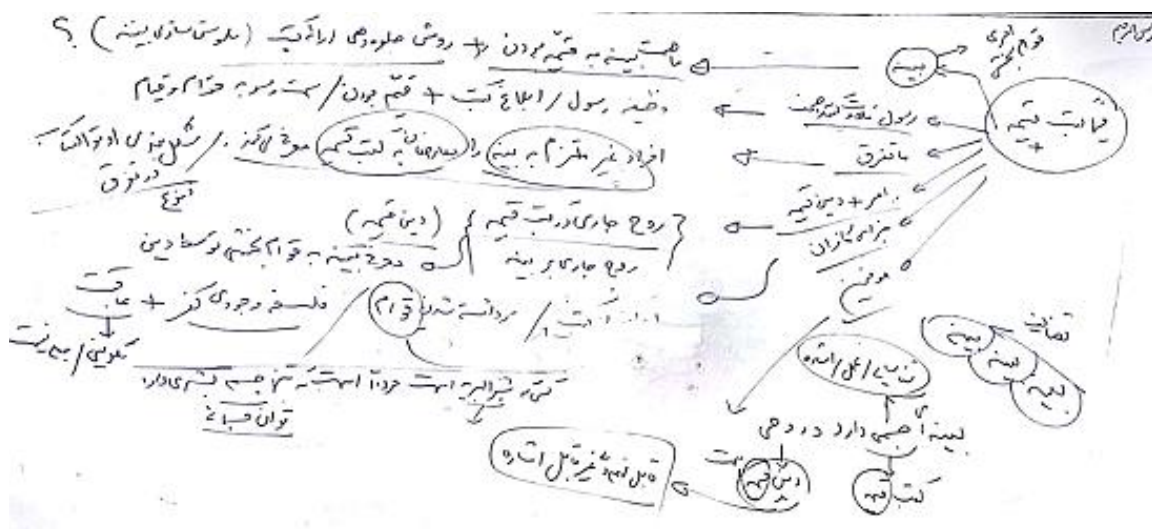
کتب قیمه وقتی به تفرق می‌رسد خصوصیتی پیدا می‌کند که افراد غیر ملتزم به بینه را معارضان به کتب قیمه معرفی می‌کند. شکل بندی و شاکله بندی او تو الکتاب در تفرق به وسیله کتب اتفاق می‌افتد و تنوع تفرقه پیدا می‌کند. برخی با نماز مشکل دارند، برخی با حج، برخی با جهاد، برخی با ولایت و... تفرق با کتب شکل‌های مختلف می‌گیرند. روزه می‌گیرد نماز نمی‌خواند، روزه و نماز دارد اما حج نمی‌رود. حج می‌رود ولی ولایت برایش مهم نیست.

روح جاری در کتب قیمه، دین قیمه است. وقتی می‌گوییم دین قیمه به صورت مضاف و مضاف الیه می‌آید و به صورت جنس بگیریم می‌شود فطرت حاکم جاری و مسیطر. روح جاری در کتب قیمه را که می‌گوییم در واقع روح جاری بر بینه را می‌گوییم. معرفی بینه به قوام بخشی توسط دین است.

اعراض از کتب، برداشته شدن قوام در واقع فلسفه وجودی کفر و عاقبت آن بیان می‌شود. این عاقبت، عاقبت تکوینی است و جعلی نیست. خدا جعل نمی‌کند که «فی نار جهنم» باشند. چون کفر پوشاندن خود از کتب قیمه است پس کفر یعنی فقدان کتب قیمه یعنی فقدان قیمه بودن و قوام داشتن.

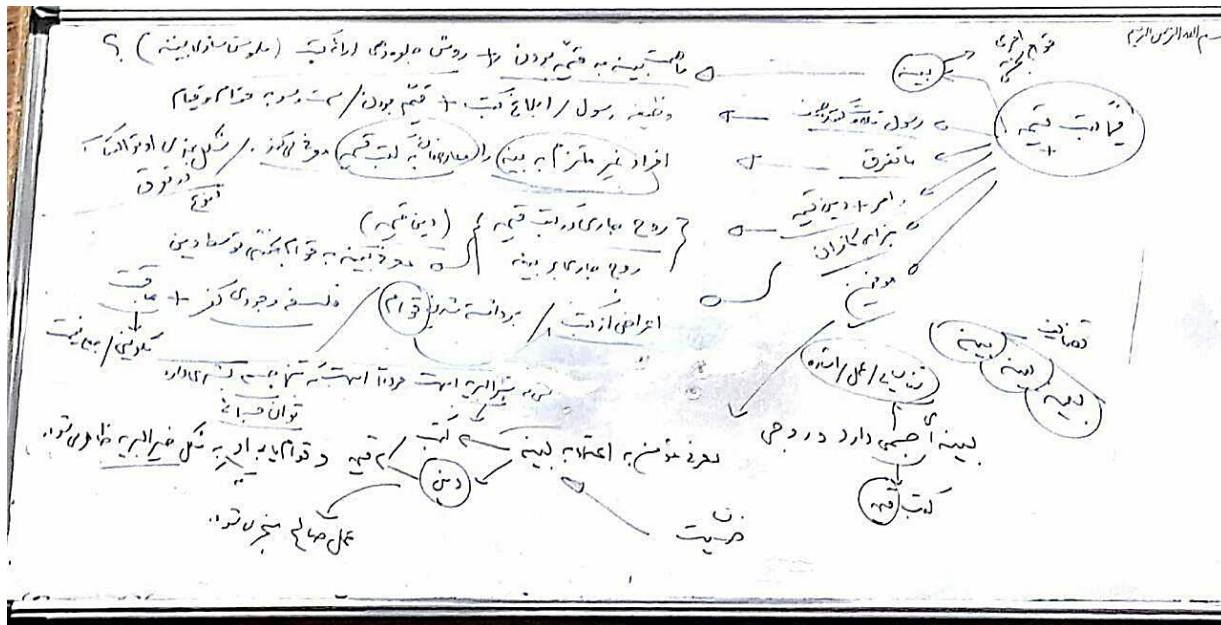
کسی که «شرالبریه» است مرده‌ای است که تنها جسم بشری دارد. این شرالبریه انصاف و عاطفه و امید ندارد و فقط توان جسمانی برایش مانده است. چشم دارد اما نمی‌بیند و قلب دارد ولی احساس ندارد.

دین آن چیزی است که انسان را به فطرتش ارجاع می‌دهد و در متن فطرتش قرار می‌دهد. کتب قیمه فرائضی از کتاب است که به زندگی انسان قوام می‌دهد و چهارچوب‌های زندگی او را تشکیل می‌دهد. دین قیمه روح کتب قیمه است. هر بینه‌ای جسمی دارد و روحی. جسمش کتب است که قیمه است و روحش دین قیمه است. کتب قابل شناسایی و اشاره است و دین قیمه قابل فهم و غیرقابل اشاره است. بینه جسم دارد و روح.



آدم خوب خوبی‌اش مال خداست و آدم بد بدی‌اش مال خودش است. فقدان قوام است که انسان را بد می‌کند. آدم خوب به بینه ایمان دارد، به آن اعتماد می‌کند و بر اساس آن عمل می‌کند. معرفی مومن به اعتماد به بینه به صورت کتب و دین قیمه و قوام‌یابی او که به شکل خیرالبریه ظاهر می‌شود.

این اعتماد از خشیت نشأت گرفته و به عمل صالح منجر می شود. آدم مومنی که به کتب قیمه اعتماد می کند، این اعتماد او را در لحظه تبدیل به خیرالبریه می کند. کسی که روزه می گیرد نباید تابع هوای نفس خود باشد. کتب قیمه خیلی مهم می شود. قیمه یعنی کسی که روزه می گیرد نمی تواند تابع هوای نفسش باشد.



تعمیر در فرج امام زمان (عج) صلوات